

تعیین ساختار بهینه درآمدهای مالیاتی کشور بر اساس دو معیار ریسک و بازدهی

ابراهیم نصیرالاسلامی^۱، عزت‌اله عباسیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۱۷

چکیده

وجود یک منبع درآمد پایدار برای دولت به منظور تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عمده‌ی درآمدهای دولت از دو منبع مالیات و درآمد نفتی حاصل می‌شود. با توجه به اینکه بخش اعظمی از نوسانات درآمد نفتی خارج از کنترل سیاست‌گذاران داخلی است، از این نظر بهتر است به منظور کسب درآمدهای نسبتاً پایدار، بر درآمدهای مالیاتی تمرکز شود. به‌رحال درآمدهای مالیاتی نیز تحت تأثیر سیکل‌های رونق و رکود قرار می‌گیرند و از این نظر در دوره‌های رکود اقتصادی، کسب درآمد از این منبع نیز با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین راه‌حلی که در اینجا وجود دارد این است که کل درآمد مالیاتی کشور به عنوان یک سبد (پورتفولیو) درآمدی در نظر گرفته شده و با توسل به روش‌های اقتصاد مالی به بهینه‌سازی آن پرداخته شود تا به این طریق ترکیب بهینه مالیات مشخص شود. بر این اساس در پژوهش حاضر با جمع‌آوری اطلاعات پایه‌های مختلف درآمدی کشور طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۵۰ و استفاده از الگوی مارکویتز از دو رویکرد حداقل کردن ریسک و حداکثر کردن بازدهی، سهم بهینه پایه‌های مختلف درآمد مالیاتی کشور محاسبه شده است. نتایج پژوهش نشان داد که سهم‌های فعلی پایه‌های درآمد مالیاتی کشور از سهم‌های بهینه تفاوت فاحشی دارند.

واژه‌های کلیدی: ساختار درآمد مالیاتی، الگوی مارکویتز، پورتفوی بهینه، نسبت شارپ.

طبقه‌بندی JEL: C87- G11- H21.

Email: enasiroleslami@yahoo.com

۱. استادیار گروه آمار دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول)،

Email: e.abbasian@ut.ac.ir

۲. دانشیار اقتصاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

۱. مقدمه

در سال های اخیر با توجه به نوسان های شدید درآمدهای نفتی به واسطه تحریم های بین المللی و مطالعاتی که در خصوص ضرورت و اهمیت اخذ مالیات در کشور صورت گرفته است، توجه به درآمدهای مالیاتی دو چندان شده است. هرچند اقداماتی در جهت شناسایی پایه ها و مودیان جدید مالیاتی صورت گرفته است، اما در خصوص ساختار مناسب درآمد مالیاتی اقدام خاصی انجام نشده است. منظور از ساختار درآمدهای مالیاتی، ترکیب و سهم هر یک از منابع درآمد مالیاتی است. درآمدهای مالیاتی دولت از دو منبع مالیات مستقیم و غیرمستقیم حاصل می شود. در سیستم مالیاتی ایران، مالیات بر ثروت و درآمد اشخاص حقیقی جزء مالیات های مستقیم و مالیات بر اشخاص حقوقی (درآمد شرکت ها)، مصرف و فروش و واردات در گروه مالیات های غیرمستقیم قرار می گیرند. بر اساس داده ها و اطلاعات بانک مرکزی طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۵۰ سهم مالیات های مستقیم از کل درآمد مالیاتی به طور متوسط ۲۱/۴ درصد و سهم مالیات های غیرمستقیم ۷۸/۶ درصد بوده است. سؤالی که در اینجا مطرح می شود، این است که آیا می توان با تغییر سهم منابع و پایه های درآمدی، میزان مالیات عایدی کشور را افزایش داد؟ آیا با افزایش سهم مالیات های مستقیم می توان شاهد افزایش درآمد مالیاتی بود یا اینکه برای افزایش درآمدهای مالیاتی باید سهم مالیات های غیرمستقیم را افزایش داد؟ بر این اساس هدف از پژوهش حاضر تعیین وزن و سهم بهینه پایه های مختلف درآمد مالیاتی بر اساس دو معیار ریسک و بازدهی (رشد کل درآمد مالیاتی کشور) است. در این راستا با تشکیل مدل مارکویتز برای درآمد مالیاتی کشور، سهم پایه های درآمدی مختلف محاسبه خواهد شد. اهمیت نتایج این پژوهش در این است، که سازمان مالیاتی کشور می تواند منابع عمده نوسانات درآمدهای خود را شناسایی کند. همچنین بر اساس دو معیار ریسک و بازدهی بهترین ترکیب درآمدهای مالیاتی کشور محاسبه خواهد شد که این سازمان می تواند بر اساس اولویت اهداف خود، انتخاب مناسب را انجام دهد.

در بخش دوم پژوهش به بررسی مطالعات مرتبط اختصاص دارد. در بخش سوم، مدل پژوهش به اختصار توضیح داده خواهد شد و سپس در بخش چهارم، یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود و در نهایت در بخش پنجم به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها اختصاص دارد.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

مالیات یکی از عمده‌ترین و با ثبات‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد و به عنوان یکی از ابزارهای سیاست‌های مالی دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و ثبات اقتصادی ایفا می‌کند. اثر مالیات بر بازارها به صورت دو اثر تخصیصی و توزیعی می‌باشد. این مقاله بر اساس مبانی نظری مالیات بهینه که توسط اقتصاددانانی مانند استیگلیتز، میرلس و دیگران مورد مطالعه قرار گرفته، بنا نهاده شده است. از آنجایی که دو ابزار مالیات بر مصرف کالاها و خدمات و مالیات بر درآمد نسبت به دیگر ابزارهای مالیاتی کم هزینه‌تر هستند و قدرت جمع‌آوری درآمد بیشتری دارند، بار غالب درآمدهای مالیاتی در اغلب کشورها، بر دوش این دو ابزار مالیاتی می‌باشد. در این بین مالیات بر درآمد شخصی از اهمیت بالایی برخوردار است. در مورد مالیات بر مصرف، ابزار مالیات بر ارزش افزوده به عنوان مهم‌ترین نوآوری قرن بیستم شناخته می‌شود. عده‌ای به سیاست‌های مالیاتی فقط به عنوان بخش موافقی از یک تئوری مالیاتی بهینه نگاه می‌کنند. همچنین عده‌ای معتقدند که سیستم‌های مالیاتی با نرخ‌های مالیاتی کم نوسان‌تر، ممکن است با تئوری‌های مالیاتی متناقض باشد، اما منکیو با استفاده از مدل میرلس (۱۹۷۱) یک چارچوب در جهت حرکت به سمت نرخ مالیاتی بهینه ایجاد می‌کند که این نرخ بهینه به سمت یک نرخ با ثبات کم نوسان گرایش دارد و در واقع با این موضوع نشان می‌دهد که سیستم‌های مالیاتی با نرخ‌های کم نوسان، هیچگونه تعارضی با تئوری‌های موجود ندارند. از طرف دیگر، مطالعات در مورد مالیات بهینه، عمدتاً بر پایه کار رمزی (۱۹۲۷) قرار دارند. فرانک رمزی در مطالعات خود، مسأله توزیع درآمد و تفاوت در مطلوبیت نهایی پول برای افراد مختلف

را نادیده گرفته و توجه خود را به عدم کارآیی در تخصیص منابع متمرکز ساخته و مسأله بار مالیاتی را هدف مطالعه خود قرار داده است. در واقع رمزی در مدل دنیای تک نفره خود به دنبال نرخ های مالیاتی است که برای کسب درآمد مشخص مالیاتی برای دولت بتواند مجموع اضافه بار مالیاتی در بازارهای مشمول مالیات را به حداقل برساند. وی قاعده ای را با عنوان «قاعده رمزی» مطرح نمود که بر اساس آن برای حداقل کردن اضافه بار مالیاتی، مالیات ها باید بر اساس نسبت عکس کشش تقاضا برای کالا وضع شوند. قاعده دیگر در مورد مالیات بهینه قاعده کورلت - هاگ است. قاعده کورلت - هاگ یک قاعده مربوط به حوزه مطالعاتی مالیات بهینه است که از رویکرد بهینه دوم پیروی می کند، و اظهار می دارد که با وضع مالیات بر کالاهای مکمل اوقات فراغت می توان مالیات بهینه را بدست آورد و از این طریق تحریف یا اختلالات انگیزشی عرضه نیروی کار را کاهش داد. این قاعده از اصول مالیات بهینه رمزی مشتق شده است. قاعده کورلت - هاگ دارای کاربردهای زیادی در سیاست گذاری مالیاتی مانند مالیات بر کالاها یا مالیات بر درآمد سرمایه است.^۱

تجزیه و تحلیل پورتفوی مالیاتی بهینه به دولت ها برای پوشش ریسک پایه های مالیاتی کمک می کند. این موضوع تحت تاثیر ادبیات پورتفوی مالیاتی که توسط گروس و کان در سال ۱۹۵۲ معرفی شده است می باشد. این مطالعه بر روی کشش درآمدی و ثبات مالیات های ایالتی و محلی آمریکا متمرکز شده است. گروس و کان در مقاله ۱۹۵۲ خود درباره مبادله بین ثبات در درآمد مالیاتی و تمایل به توزیع مجدد ثروت توسط دولت ها بحث می کنند. با پیروی از روش این مقاله دولت ها با برآورد رمزی که با حداقل واریانس تعریف شده است می توانند هزینه نوسانات اضافی ناشی از سیاست های توزیع مجدد را تعیین کنند و آنها را برای تصمیم گیری آگاهانه در مورد آنچه لازم است برای اجرای سیاست های توزیع مجدد به انجام برسانند کمک کند.

1. Corlett, W.J., Hague, D.C. (1953).

برای مقایسه سیستم‌های مالیاتی و اثربخشی آنها، بدیهی است که باید پارامترهای اضافی سیستم مالیاتی در نظر گرفته شود. به عبارت ساده تر، ارزیابی فوق الذکر می‌تواند از تحلیل ساختار درآمد مالیاتی از نظر منبع اصلی درآمد مالی و همچنین پویایی هر یک از درآمد مالیاتی که بستگی به تغییرات کلی اقتصادی در کشور دارد استفاده کند. اکبری و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه ای الگویی برای تأمین مالی دولت‌های محلی و شهرداری‌ها ارائه داده‌اند که بر مبنای آن، معیارهای عدالت، شفافیت، کارایی، پایداری و کفایت به عنوان معیارهای الگوی مناسب معرفی و رتبه‌بندی شده‌اند.

علاوه بر آن، نوسانات درآمدهای مالیاتی و همچنین واکنش آن به تغییرات اوضاع اقتصاد کلان و کشش پارامترهای اقتصاد واقعی از اهمیت بالایی برخوردار است. تغییرات ارائه شده را می‌توان در یک پارامتر واحد ترکیب کرد، یعنی جزء ریسک سیستم مالیاتی که در اینجا ریسک سیستم مالیاتی به عنوان معیار سنجش ناپایداری شاخص‌ها شناخته می‌شود که با انحراف استاندارد و واریانس هر مقدار ارزیابی می‌شود. در این راستا مطالعه ای در ایران با به کارگیری روش حداقل مربعات پویا، کشش‌های بلندمدت و کوتاه مدت پایه‌های درآمد مالیاتی در کشور در واکنش به تغییرات تولید ناخالص داخلی را محاسبه نموده است (عباسیان و همکاران، ۱۳۹۶).

تغییر نرخ رشد اقتصادی، تغییر ساختار، تأثیر روندهای جهانی و همچنین تأثیر مشترک آنها بر مالیات، همیشه قابل پیش‌بینی نیست. این عدم قطعیت سرانجام به سیستم مالیات منتقل می‌شود. حتی اگر تغییرات اقتصادی تا حد زیادی مستعد پیش‌بینی باشد، همیشه تنظیم سریع یا کاملاً مناسب به دلایل عینی و ذهنی امکان پذیر نیست. یکی دیگر از عوامل ریسک سیستم مالیاتی، فرار مالیاتی می‌باشد. احتمال چنین رفتاری بستگی به فضای نهادی یک اقتصاد خاص، سختگیری قانون در برخورد با پولشویی و همچنین اجتناب ناپذیری و اثربخشی اقدامات یا مجازاتهای سازگار دارد.

ارائه روشی برای ارزیابی ریسک سیستم‌های مالیاتی یک موضوع مهم در اقتصاد است. مشابه پورتفوی سرمایه گذاری، ریسک پورتفوی مالیاتی بر اساس سه عامل قابل ارزیابی

است. عامل اول عدم ثبات عملکرد مالیاتهای مختلف است که در درجه اول به پویایی فعالیت تجاری در کشور بستگی دارد. عامل دوم اتصال به درآمدهای مالیاتهای مختلف است که با یک شاخص کواریاسیون ارزیابی می شود و به نوبه خود ریسک را افزایش می دهد. عامل سوم سهم مالیات های مختلف (کم و بیش بسته به عوامل بازار) در کل درآمد مالیاتی است. ارزیابی سیستم های مالیاتی معمولاً بر اساس شاخص عملکرد مالیات انجام می شود که به صورت رابطه بین درآمد مالیاتی با تولید ناخالص داخلی کشور تعیین می شود. با این حال، چنین ارزیابی ای همیشه وضعیت جاری سیستم مالیاتی یک کشور خاص را کاملاً توصیف نمی کند. علاوه بر این، کشورهایی با سطح و ساختار مشابه سیستم مالیاتی دارای پیشرفت اقتصادی یکسانی در طول زمان نیستند. با این وجود، عملکرد مالیاتی در کشورهایی که سطح توسعه اقتصادی متفاوتی دارند، می تواند مشابه باشد (مالکین و بالاکین، ۲۰۱۶).^۱

دادگر و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود بیان می دارند که طبق تئوری های اقتصاد بخش عمومی، نظام مالیاتی بهینه به همراه دولت بهینه، از ارکان محوری نظام های اقتصادی پیشرفته محسوب می گردد. تجارب کشورهای مختلف نیز نشان می دهد که کارآمدی بخش عمومی و سلامت نظام مالیاتی نقش کلیدی در پایداری توسعه دارند. نظام مالیاتی بهینه در کنار دولت بهینه در راستای بالا بردن رضایت مندی اکثریت شهروندان است. مالیات بهینه ضمن تامین هزینه های بخش عمومی، به باز توزیع مورد نیاز درآمدها و ثروت ها نیز منجر می شود. نظام مالیاتی بهینه، نظارت مالیات دهنده بر دولت را نیز به دنبال دارد که موجب تقویت روحیه مردم سالاری می گردد. این رو این مقاله در صدد است به بررسی فاصله مورد نظر پردازد. این کار ضمن تحلیل ساختار دولت و مالیات، دولت بهینه و مالیات بهینه را با کمک دو شاخص نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی و نسبت مالیات ها به تولید ناخالص داخلی مورد بررسی قرار می دهد. برخی نتایج این

1. Malkina and Balakin, 2016.

مطالعه نشان می دهد که فاصله قابل توجهی بین دولت و مالیات موجود در اقتصاد ایران از یک طرف و دولت و مالیات بهینه در نظریات بخش عمومی از سوی دیگر وجود دارد.

نظری (۱۳۹۲) در پژوهشی با یک روش توصیفی به بررسی آسیب ها و نقاط ضعف نظام مالیاتی کشور پرداخته است. وی مواردی از قبیل نسبت پایین مالیات ها به تولید ناخالص داخلی، سهم پایین مالیات ها در منابع عمومی دولت، سهم پایین مالیات ها در تأمین هزینه های جاری دولت، هزینه های بالای وصول مالیات، تمکین نامناسب مالیاتی آحاد جامعه، عدم تنوع پایه های مالیاتی و ترکیب نامناسب درآمدهای مالیاتی، روش سنتی تشخیص و وصول مالیات، معافیت های مالیاتی گسترده و ناکارآمد، وجود وقفه های مالیاتی و ضعف نظام اطلاعات مالیاتی اشاره کرده است.

نصیرالاسلامی و همکاران در پژوهشی که در سال ۱۳۹۴ انجام دادند، به بررسی عوامل مؤثر بر بی ثباتی درآمدهای مالیاتی دولت با استفاده از روش ARDL پرداختند. نتایج آن ها نشان داد که ساختار مالیات ها و همچنین ساختار اقتصاد در یافتن ترکیبی از مالیات ها که ثبات درآمدی برای دولت به وجود آورند، نقش مهمی دارند. همچنین نتایج آن ها حاوی این پیام بود که تنوع بخشی در درآمدهای مالیاتی اثر معناداری بر نوسانات درآمد مالیاتی ندارد. در توجیه این نتیجه نگارندگان مقاله، به ناکارآمدی پورتنوی مالیاتی دولت اشاره کرده اند.

آسانو و فوکوشیما (۲۰۰۶)^۱ با استفاده از قاعده کورلت و هیگ به محاسبه نرخ های بهینه مالیات بر کالاهای مختلف در سطوح درآمدی مختلف مورد نیاز دولت و نرخ دستمزد نیروی کار، با پورتنوی بهینه و تناسبی در کشور ژاپن پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد نرخ های بهینه مالیات کالاهای مختلف تقریباً یکسان بوده و رفاه از دست رفته با دو سیستم مالیاتی یاد شده نیز بسیار شبیه به یکدیگر است.

1. Asano, S and Fukushima, T. (2006)

گرت^۱ در پژوهش خود در سال ۲۰۰۹ با استفاده از روش پورتفولیو به ارزیابی تغییرپذیری درآمد مالیاتی دولت پرداخته است. او در تحقیق خود مدلی ناپارامتریک در جهت حداقل سازی تغییرپذیری درآمدهای مالیاتی دولت پیشنهاد داده و بر اساس مدل خود وزن بهینه پایه های مختلف درآمد مالیاتی دولت را محاسبه کرده است.

کارول^۲ (۲۰۰۹) در مطالعه خود با استفاده از داده های پنلی، اثرات تنوع بخشی در ساختار درآمد دولت را طی دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۲ مورد بررسی قرار داد. یافته های این پژوهشگر نشان داد، که تنوع بخشی به درآمد، روی سطح نوسانات آن اثرگذار است. نکته ی دیگری که در این مقاله روی آن تأکید شده است این است که شیوه ی تنوع بخشی دولت ها نقش مهمی در ثبات مالی دارد. زمانی که دو بخش جداگانه مالیاتی و غیرمالیاتی بررسی می شوند، تنوع بخشی در هر دو بخش نوسانات درآمد را کاهش می دهد. اما اگر تنوع بخشی و پیچیدگی به طور هم زمان بررسی شوند، اثرات کاهشی نوسانات در بخش غیر مالیاتی از بین می رود.

ایبیکه و ارهارت^۳ (۲۰۱۲) در پژوهش خود، به منابع بی ثباتی درآمد مالیاتی در کشورهای زیر صحرای آفریقا توجه کرده اند. آن ها با استفاده از داده های پنل مشتمل بر ۳۹ کشور طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۵ دو نتیجه ی کلی به دست آوردند. اولین نتیجه ی آن ها این است که بی ثباتی درآمدهای مالیاتی دولت، سرمایه گذاری بخش عمومی و مصرف دولت را کاهش می دهد. دومین یافته ی آن ها نشان داد، جریان کمک های خارجی می تواند، یک مکانیسم بیمه مؤثر در برابر بی ثباتی درآمد مالیاتی با کاهش حساسیت سرمایه گذاری عمومی به شوک درآمد مالیاتی باشد.

یان^۴ (۲۰۱۲) در پژوهش خود اثرات تنوع بخشی درآمد روی ثبات درآمدی را از دیدگاه تئوری و تجربی طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۸۶ در ایالات گرجستان مورد مطالعه قرار

1. Garrett
2. Carroll
3. Ebeke & Ehrhart
4. Yan

می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان داد، که هرچند تنوع درآمدهای ثابت و پایداری درآمد را افزایش داده است ولی اثر آن بستگی به ثبات اقتصادی دارد. در پژوهشی که براون^۱ در سال ۱۹۸۸ در کشور گرجستان انجام داد، به اندازه‌گیری ثبات درآمد مالیاتی دولت پرداخت. سؤال اصلی پژوهش او این بود که آیا می‌توان کل درآمد مالیاتی را به صورت روند قطعی یا یک مدل رانش تصادفی تصریح کرد؟ نتایج بررسی ایشان نشان داد که مدل روند قطعی یک تصریح ضعیف از ثبات درآمد مالیاتی ارائه می‌دهد؛ چرا که پیش‌فرض آن ایستایی داده‌هاست. در ادامه محقق نتیجه گرفت که استفاده از مدل پورتفولیو می‌تواند تصریح مناسب‌تری از ساختار درآمد مالیاتی در اختیار بگذارد.

هدف از مقاله مالکینا (۲۰۱۷)^۲، بررسی تأثیر ساختار صنعتی اقتصاد منطقه‌ای بر میزان ریسک سیستم مالیاتی آن است. سطح ریسک سیستم‌های مالیاتی مناطق مختلف روسیه در سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۱۴ با استفاده از روش پورتفوی مارکویتز با این فرض که پورتفوی منطقه‌ای شامل فعالیت‌های اصلی اقتصادی است، مورد ارزیابی قرار گرفته است. این رویکرد این امکان را بوجود می‌آورد تا سهم فعالیت‌های اقتصادی مختلف را در کل ریسک سیستم مالیاتی ارزیابی و آن را بر اساس منشاء داخلی و خارجی تجزیه و مناطق بحرانی بی‌ثباتی در مناطق روسیه شناسایی شوند. ضرایب تغییر نرخ بازده مالیاتی تأثیر نسبی متفاوتی از فعالیت‌های اقتصادی بر عدم ثبات سیستم‌های مالیاتی منطقه‌ای نشان داد. سطح متنوع سازی اقتصاد منطقه‌ای با استفاده از انحراف استاندارد ساختار صنعتی منطقه از ساختار کشور در نظر گرفته شده است. گنجاندن این سطح به همراه نرخ بازده مالیاتی و مجموعه‌ای از متغیرهای کنترل در دو رگرسیون توسعه یافته تخمین زده شده با روش حداقل مربعات وزنی اجازه می‌دهد تأثیر مثبت تنوع در ثبات سیستم‌های مالیاتی را تأیید کنیم.

1. Braun

2. Malkina, MARINA, (2017)

مقاله سیگرت (۲۰۱۷)^۱ به بررسی ریسک و کارآیی سیستم های مالیاتی در سطح منطقه ای، صنعت و کشور می پردازد. این مقاله با هدف توسعه رویکرد پورتفوی برای ارزیابی ریسک و عملکرد سیستم های مالیاتی مناطق مختلف کشور روسیه، فعالیت های اصلی اقتصادی و فدراسیون روسیه به طور کلی به منظور تعیین رابطه بین ریسک و بازده و ارزیابی سهم مناطق مختلف و فعالیتهای اقتصادی در ریسک و بازده سیستم مالیاتی به مطالعه می پردازد. این مطالعه از رویکرد پورتفوی مارکویتز برای ارزیابی ریسک سیستم مالیاتی و از نسبت شارپ برای ارزیابی کارایی مؤلفه های سیستم در دوره برای ۲۰۰۶-۲۰۱۵ استفاده می کند. یافته ها رابطه منفی شدیدی بین ریسک و کارایی سیستم مالیاتی منطقه ای را نشان می دهند. تجزیه و تحلیل یافته ها نشان می دهد که سه منطقه بزرگ در روسیه و بخش معدن بیشترین سهم را در ریسک سیستم مالیاتی ملی دارند. نتیجه گیری یافته ها این امکان را می دهد تا بین ریسک و عملکرد مؤلفه های سبد مالیات رابطه برقرار و سهم بخش ها و مناطق خاص را در ریسک کل سیستم مالیاتی ملی ارزیابی شود. نتایج می توانند برای اجرای سیاست های مالیاتی و مدیریت تغییرات ساختاری در اقتصاد چه در سطح منطقه ای و چه در فدرال مفید باشند.

لوپز-لوزوریا و اسکاراسکینی (۲۰۱۹)^۲ در مطالعه خود به دنبال پاسخ این سوال هستند که زمانی که سازمان امور مالیاتی میزان یک مالیات را افزایش می دهد، در مورد میزان تمکین مالیاتی برای سایر مالیات ها (اثر سرریز) چه اتفاقی می افتد؟ در این مقاله، یک مدل تحلیلی ساده ارائه می شود که نشان می دهد که اثر سرریز، بستگی به این دارد که چگونه مالیات دهندگان اعتقاد و باور خود را درباره مجازات ها و احتمال کشف یک تخلف مالیاتی شکل داده اند. در نتیجه، هنگامی که سرریزها حضور دارند، مجازات ها و تشخیص ها لزوماً نمی توانند ابزارهای سیاسی جایگزینی باشند. شواهد تجربی و میدانی در کشور آرژانتین نشان می دهد که اثر سرریز پیام افزایش میزان جریمه و اجرای مالیات بر

1. Seegert, N. 2017

2. López-Luzuriaga, Andrea; Scartascini, Carlos , (2019)

دارایی بر اظهارنامه مالیات بر فروش ناخالص مثبت است. به عبارت دیگر نتایج حاکی از آن است که مالیات دهندگانی که پیامی دریافت کرده‌اند که در مورد عواقب عدم پرداخت مالیات بر املاک توضیح می‌دهند تصمیم گرفته‌اند مالیات بر فروش ناخالص را بالاتر اعلام کند. این نتیجه پیامدهای مفیدی برای محققان به منظور اعمال مداخلات در این زمینه و استراتژی‌های اجرایی دولت دارد. در غیر این صورت، آنها با خطر از دست دادن مالیات‌های دیگر بجز آنچه که از مالیات مورد نظر جهت اعمال را دارند به دست می‌آورند. در نتیجه، با توجه به اینکه اثرات سرریز وجود دارد، مقامات مالیاتی باید استراتژی‌های بازدارندگی را با در نظر گرفتن پورتنفوی کامل مالیات برای هر مالیات دهنده معین طراحی کنند. بنابراین، کارآمدترین استراتژی راهی نیست که بتواند درآمد مالیاتی خاصی را به حداکثر برساند بلکه آن چیزی است که جمع‌آوری مالیات را در کل پورتنفوی مالیاتی به حداکثر می‌رساند.

تفاوت این مطالعه با مطالعات پیشین در داخل کشور این است که در هیچ کدام از این مطالعات رویکرد تئوری پورتنفوی مرکویتز و نسبت شارپ برای محاسبه مالیات بهینه بکار گرفته نشده است. در این مطالعه از رویکرد پورتنفولیو که توسط مارکویتز^۱ و شارپ^۲ ارائه شده برای ارزیابی سهم پایه‌های مختلف مالیاتی در ناپایداری کلی درآمدهای مالیاتی و شناسایی مسیرهای بهینه سازی سهم مالیات‌های مختلف در سبد درآمد مالیاتی دولت استفاده شده است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

نوسانات درآمدهای مالیاتی هم از عدم اطمینان های اقتصاد کلان ناشی می‌شود و هم از ریسکی بودن پورتنفوی مالیاتی دولت. در این رویکرد عمدتاً قید دولت قبول ریسک بیشتر در قبال درآمد مالیاتی بیشتر است. دولت‌ها می‌توانند با تشکیل پورتنفوی مؤثر مالیاتی،

1 . G.Markowitz
2 . W. Sharpe

واریانس درآمدهای مالیاتی خود را کاهش دهند. در این مفهوم سازی، هر پایه مالیاتی یک دارایی بالقوه است که دولت می تواند از آن برخوردار باشد و نرخ مالیات در یک پایه معین، وزنی است که آنها برای هر دارایی در نظر می گیرند. مفهوم سازی امور مالی دولت به عنوان یک مسئله پورتفوی بهینه، توانایی دولت ها برای پوشش ریسک مالیات بر پایه های مختلف را برجسته می کند. این امر باعث می شود تا دولت سهم فعالیت های اقتصادی مختلف را در کل ریسک سیستم مالیاتی ارزیابی و نقش آنها را در بی ثباتی درآمدهای مالیاتی شناسایی شوند البته لازم به ذکر است که برای اقتباس این روش باید از تفاوت های زیاد بین یک دولت و یک سرمایه گذار خاص مطلع بود.

به منظور تعیین ساختار بهینه درآمدهای مالیاتی کشور از الگوی سبد دارایی های مارکویتز^۱ (۱۹۵۲) استفاده شده است. مارکویتز در مسئله انتخاب پورتفوی استاندارد خود فرض می کند که همه سرمایه گذاران، انتخاب های خود را بر اساس دو معیار بازدهی و ریسک انجام می دهند. مهم ترین کار مارکویتز در نظر گرفتن انحراف معیار بازدهی سبد، به عنوان معیاری برای سنجش ریسک سبد بود. به پیروی از روش مارکویتز اگر درآمد مالیاتی کشور از N منبع تأمین شود، بازدهی مورد انتظار و واریانس سبد درآمدی را می توان به صورت رابطه (۱) تعریف کرد:

$$rtax_{p,t} = \sum_{i=1}^N rtax_{i,t} w_{i,t} \quad (1)$$

$$\sigma_{p,t}^2 = \sum_{i=1}^N w_{i,t}^2 \sigma_{i,t}^2 + \sum_{i < j} 2w_{i,t} w_{j,t} \sigma_{i,t} \sigma_{j,t} \rho_{ij,t}$$

که $\sigma_{i,t}^2$ و $r_{i,t}$ به ترتیب بازدهی و واریانس منابع مختلف کسب درآمد مالیاتی، $\rho_{ij,t}$ ضریب همبستگی بین i امین و j امین روش کسب درآمد، w وزن هر منبع در کل درآمد مالیاتی است. در رابطه (۱) منظور از $rtax$ بازدهی درآمد مالیاتی بوده که بر اساس تغییرات نسبی هر منبع درآمد مالیاتی طی سال های متوالی محاسبه می شود. از نظر ریاضی بازدهی درآمد مالیاتی به صورت زیر محاسبه می شود:

1. Markowitz

$$rtax = \frac{tax_t - tax_{t-1}}{tax_{t-1}} \times 100 \quad (2)$$

که منظور از tax_t درآمد مالیاتی به دست آمده در هر پایه درآمدی مالیات در دوره t است. بر اساس رابطه (۲) بازدهی پایه‌های مختلف درآمد مالیاتی شامل، مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، درآمد اشخاص حقیقی، ثروت، واردات و مصرف و فروش محاسبه می‌شود. برای محاسبه واریانس بازدهی هر پایه‌ی درآمدی مالیات، از فرمول شناخته شده واریانس استفاده می‌شود:

$$\sigma_t^2 = \frac{\sum_{i=1}^T (rtax_{it} - \overline{rtax_i})^2}{N} \quad (3)$$

که $\overline{rtax_i}$ متوسط بازدهی پایه‌های مختلف درآمدی است. به منظور محاسبه این شاخص‌ها اطلاعات پایه‌های مختلف درآمدی (مالیات بر ثروت، واردات و) طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۹۳ از پایگاه اطلاعات داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران جمع‌آوری شده است و طی دوره ۱۳۵۱-۱۳۹۳ بازدهی هر پایه درآمدی بر اساس رابطه (۲) محاسبه شده است.

در گام بعد، بر اساس نظریه پورتفوی مارکوویتز بهینه‌سازی، سهم پایه‌ها در سبد درآمدی مالیاتی کشور با دو رویکرد حداقل سازی ریسک در سطح معینی از بازدهی مورد انتظار و همچنین حداکثر سازی بازدهی مورد انتظار در سطح ثابتی از ریسک محاسبه خواهد شد. از نظر ریاضی می‌توان این دو رویکرد را به صورت زیر نشان داد:

الف) رویکرد حداقل سازی نوسانات و ریسک سبد درآمدهای مالیاتی

$$\begin{aligned} \text{Min } \sigma_p^2 \\ \text{s.t.: } \sum_{i=1}^N rtax_{i,t} w_{i,t} &= \overline{rtax}_{p,i} , \\ \sum_{i=1}^N w_{i,t} &= 1 \end{aligned} \quad (4)$$

ب) رویکرد حداکثر سازی بازدهی مورد انتظار سبد درآمدهای مالیاتی

$$\begin{aligned} \text{Max } r_{p,t} \\ \text{s.t.: } \sigma_p^2 &= \bar{\sigma}^2, \\ \sum_{i=1}^N w_{i,t} &= 1 \\ w_{i,t} &\geq 0 \end{aligned} \quad (5)$$

بر اساس این روابط می توان با کمینه سازی و بیشینه سازی روابط (۴) و (۵) وزن های بهینه را محاسبه کرد. به هر حال، روش مارکویتز در دو حالت جداگانه یعنی حداقل واریانس و حداکثر بازدهی، وزن ها را محاسبه می کند و امکان محاسبه وزن هایی که هر دو معیار در آن رعایت شده باشد وجود ندارد. برای رفع این محدودیت پس از محاسبه ریسک و بازدهی پورتفولیوهای مختلف^۱ و وزن های بهینه پایه های درآمدی مالیات، نسبت شارپ به صورت زیر محاسبه شده و کمترین میزان نسبت شارپ به عنوان پورتفوی بهینه انتخاب می شود:

$$(۶) \quad \text{نسبت شارپ} = \text{میانگین بازده انتظاری پورتفوی} / \text{انحراف معیار پورتفوی}$$

۴. یافته های پژوهش

در این قسمت ابتدا به محاسبه شاخص های مختلف آماری پایه های مختلف درآمد مالیاتی پرداخته می شود و سپس در یک فرآیند گام به گام وزن های بهینه محاسبه می شود.

جدول ۱. تحلیل توصیفی بازدهی منابع مختلف درآمد مالیاتی

بازدهی درآمد مالیاتی از منابع زیر					
ثروت	اشخاص حقیقی	واردات	اشخاص حقوقی	مصرف و فروش	
۵۲/۶	۳۴/۴	۴۳/۹	۳۱/۹	۳۲/۷	میانگین
۱/۴	۳۰/۳	-۷/۱۷	۲۱/۶	۵/۶	میانه
۱۶۷/۹	۹۹/۹	۱۳۷/۰۳	۷۹/۱	۱۱۱/۵	انحراف معیار
۹/۵	۵/۹	۷/۹۷	۹/۲	۱۹/۱	کشیدگی
۲/۹۸	۱/۹۶	۲/۷	۲/۳	۴/۰۱	چولگی
-۸۳/۲	-۸۳/۲	-۷۸/۴	-۸۵/۴	-۵۵/۴	کمینه
۷۱۱/۷	۴۴۹/۲	۶۱۹/۸	۳۸۹/۹	۶۲۳/۱	بیشینه

منبع: یافته های پژوهش

به طور متوسط، بیشترین بازدهی را درآمد مالیاتی حاصل از ثروت (۵۲/۶ درصد) و کمترین بازدهی مربوط به درآمد مالیات بر اشخاص حقوقی (۳۱/۹ درصد) است. طی

۱. در نرم افزار متلب ریسک و بازدهی ۱۰۰۰۰۰ پرتفولیوی مختلف محاسبه و مورد بررسی قرار گرفت.

دوره‌ی مورد بررسی، کمترین بازدهی (منفی ۸۵/۴ درصد) مربوط به بازدهی درآمد حاصل از مالیات بر اشخاص حقوقی و بیشترین بازدهی را مالیات بر ثروت (۷/۷۱۱ درصد) داشته است.

سهم هر یک از پایه‌های درآمدی مالیات طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۵۰ نشان می‌دهد که سهم مالیات‌های غیرمستقیم از کل درآمد مالیاتی در سال ۱۳۷۴ به ۴۲,۷ درصد رسید که کمترین میزان طی دوره بوده است. به‌جز سال ۱۳۷۴ که در آن سهم مالیات‌های غیرمستقیم در درآمد مالیاتی کمتر از مالیات‌های مستقیم بوده است، در سایر دوره‌ها همواره، مالیات‌های غیرمستقیم سهم بیشتری از کل درآمد مالیاتی کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

به‌طور متوسط طی این دوره سهم مالیات مستقیم در درآمد مالیاتی حدود ۲۲ درصد و سهم مالیات غیرمستقیم در حدود ۷۸ درصد بوده است. سهم مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و ثروت به عنوان دو منبع مالیات مستقیم به ترتیب حدوداً ۱۳,۹ و ۷,۸ درصد و سهم مالیات بر واردات، مصرف و فروش و اشخاص حقوقی به‌طور متوسط ۲۷,۵، ۲۹,۶ و ۲۱,۲ بوده است. به‌طور متوسط طی این دوره بیشترین سهم از درآمد مالیاتی دولت به ترتیب به مالیات بر مصرف و فروش، واردات، درآمد اشخاص حقوقی، درآمد اشخاص حقیقی و ثروت اختصاص دارد.

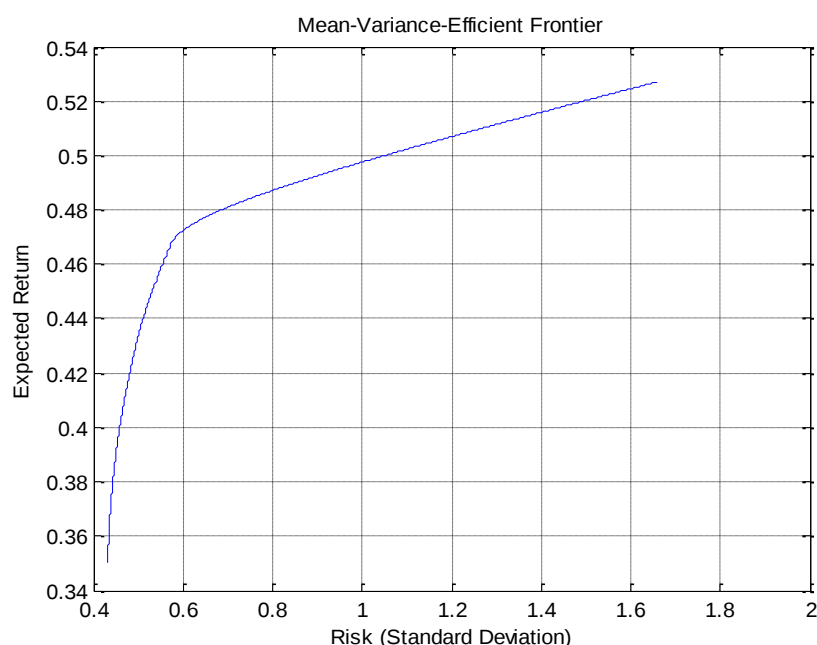
به منظور محاسبه وزن‌های بهینه، باید بازدهی انتظاری و ماتریس واریانس-کوواریانس بازده پایه‌های درآمدی محاسبه شود. در قسمت تحلیل توصیفی میانگین بازدهی محاسبه شد که از این شاخص به عنوان بازدهی انتظاری استفاده می‌شود. در جدول ۲، ماتریس واریانس-کوواریانس بازدهی محاسبه شده است.

جدول ۲. ماتریس واریانس - کوواریانس بازدهی پایه های درآمدی مالیات

ثروت	اشخاص حقیقی	واردات	اشخاص حقوقی	مصرف و فروش	
۱/۳۲	-۰/۴۶	۱/۲۳	-۰/۳۹	۱/۲۱	مصرف و فروش
-۰/۷۴	۰/۷۱	-۰/۶۴	۰/۶۱	-۰/۳۹	اشخاص حقوقی
۲/۱۹	-۰/۸۲	۱/۸۳	-۰/۶۴	۱/۲۳	واردات
-۰/۹۴	۰/۹۸	-۰/۸۲	۰/۷۱	-۰/۴۶	اشخاص حقیقی
۲/۷۵	۰/۹۴	۲/۱۹	-۰/۷۴	۱/۳۲	ثروت

منبع: یافته های پژوهش

در ماتریس واریانس - کوواریانس بازدهی، عناصر روی قطر اصلی واریانس بازدهی و عناصر قطر فرعی کوواریانس بین بازدهی پایه های درآمدی مالیات است. بر اساس این ماتریس، مالیات بر مصرف و فروش با مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و حقیقی ارتباط معکوس و با مالیات بر واردات و ثروت ارتباط مستقیم دارد. برای سایر پایه های مالیاتی نیز می توان تفسیر مشابهی را ارائه داد. وجود همبستگی منفی بین انواع پایه ها امکان بهبود درآمد مالیاتی را با تغییر سهم آن ها فراهم می کند. به همین منظور رابطه بازدهی و واریانس کل درآمد مالیاتی (به عنوان پورتفولیو) را تشکیل داده و سهم هر پایه بر اساس حداقل کردن هزینه و حداکثر کردن بازدهی محاسبه می شود. می توان وزن های مختلفی به هر یک از پایه های درآمدی اختصاص و بر اساس این وزن ها، ریسک و بازدهی را حساب کرد. بر اساس معیار بازدهی، پورتفویی بهینه خواهد بود که بیشترین بازدهی را به ارمغان آورد. بر اساس معیار ریسک، پورتفولیو با کمترین واریانس، کارایی بالاتری خواهد داشت. به همین منظور با حل مدل از روش برنامه ریزی غیر خطی در نرم افزار متلب با بررسی ۱۰۰۰۰۰ پورتفولیو مختلف (بر اساس وزن هر پایه) وزن هر پایه ی درآمدی مالیات مشخص گردید. خروجی منحنی مرز کارایی (ریسک و بازدهی) در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱. خروجی نرم افزار متلب - مرز کارایی

در گام بعد وزن پایه ها بر اساس حداقل واریانس و حداکثر بازدهی و نسبت شارپ مشخص می شود. در جدول ۳ بر اساس این سه معیار پورتفولیویی بهینه مشخص شده است.

جدول ۳. سهم پایه های مختلف درآمد مالیاتی بر اساس معیارهای مختلف به درصد

ثروت	اشخاص حقیقی	واردات	اشخاص حقوقی	مصرف و فروش	
۰	۰	۲۶/۵	۶۴/۳	۹/۲	حداقل واریانس
۱۰۰	۰	۰	۰	۰	حداکثر بازدهی
۰	۴۰/۸	۳۸/۴	۲۰/۷	۰	نسبت شارپ
۷/۸	۱۳/۹	۲۷/۵	۲۹/۶	۲۱/۲	متوسط سهم فعلی

منبع: یافته های پژوهش

بر اساس جدول ۳، اگر سازمان مالیاتی کشور بخواهد کمترین نوسانات درآمد مالیاتی را داشته باشد، باید به ترتیب سهم مالیات بر مصروف و فروش، درآمد اشخاص حقوقی و

واردات برابر ۹/۲، ۶۴/۳ و ۲۶/۵ درصد بوده و از اخذ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و ثروت خودداری کند. در صورتی که این سازمان بخواهد بیشترین رشد در درآمد مالیاتی خود را تجربه کند، باید تمرکز خود را بر مالیات بر ثروت معطوف کند. اگر هر دو معیار نوسانات و بازدهی انتظاری برای سازمان مالیات اهمیت دارد، باید پورتنفوی با بیشترین میزان نسبت شارپ را انتخاب کند. بر اساس نتایج این مطالعه در چنین پورتنفوی باید سهم مالیات بر اشخاص حقوقی ۲۰،۷ درصد، مالیات بر واردات ۳۸،۴ درصد و سهم مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی ۴۰،۸ درصد است و مالیات بر ثروت و مصرف و فروش در این پورتنفوی جایگاهی ندارند.

۵. جمع بندی و پیشنهادها

منابع درآمدی دولت خصوصیات متفاوتی دارند. منابع درآمد از نظر میزان رشد آنها در طول زمان، ثبات در طول چرخه های تجاری، حقوق ذینفعان، سهولت اداره، اثرات اقتصادی، پذیرش توسط شهروندان و غیره متفاوت هستند. بنابراین، می توان پورتنفویهای درآمدی ایجاد کرد که هر یک از آنها ویژگی های متفاوتی دارند. محققان مختلفی^۱ این ایده را مورد بررسی قرار داده و بده - بستان های برخی از این خصوصیات مثل ریسک و کارایی آنها را تخمین زده اند.

مزایای بسیاری برای داشتن ساختار بهینه متنوع درآمد دولت وجود دارد. (۱) افزایش ظرفیت درآمد از منابع خاص درآمدی در حوزه های مختلف مالیاتی. بنابراین، مجموعه متنوعی از منابع بالقوه درآمد به دولت ها این امکان را می دهد تا درآمد لازم را از مؤثرترین روش تولید کنند. به بیان کلی تر، اگر یک دولت بتواند از ابزارهای درآمد جایگزین استفاده کند، می تواند سبد درآمدی ای را انتخاب کند که به ترکیب مطلوب خصوصياتی از قبیل رشد، ثبات، حقوق صاحبان سهام و غیره برسد. این رویکرد هزینه تکمین مالیاتی را کاهش می دهد. (۲) دسترسی به منابع درآمدی دیگر بجز دمالیات بر املاک و مستغلات

۱. نگاه کنید به: Misiolek, Walter and D. Grady Perdue (1987)

به این معنی است که دولت‌های محلی می‌توانند تکیه خود را به مالیات املاک کاهش دهند. (۳) یک سیستم متنوع درآمدی این احتمال را که ذینفعان می‌توانند از پرداخت سهم عادلانه هزینه خدمات عمومی خودداری کنند کاهش می‌دهد. (۴) ساختار متنوع درآمد به ثبات درآمد کل در طول چرخه‌های تجاری می‌افزاید. (۵) مزیت نهایی برای متنوع سازی درآمد این است که تأمین مالی خدمات و کالاهای عمومی از طریق پرداخت های فایده برندگان این کالاها (مالیات بر فایده) سطح کارآمدتری از خدمات عمومی را امکان پذیر می‌سازد.^۱

با توجه به نوسانات شدیدی که در دوره‌های اخیر در درآمد نفتی کشور رخ داده است، توجه به راهکارهای جهت بهبود و گسترش درآمدهای مالیاتی توجه دو چندان یافته است. در سال‌های اخیر حجم کارهای تجربی در زمینه‌ی مالیات گسترش یافته و این امر خود مؤید اهمیت این موضوع است. با این وجود مطالعات تجربی بیشتر بر نقش مالیات در اقتصاد و اثرات توزیعی و رفاهی آن متمرکز بوده است و در کمتر مطالعه‌ای ساختار درآمدهای مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است. در این مطالعه با تأکید بر پایه‌های مختلف درآمد مالیاتی و در نظر گرفتن کل درآمد مالیاتی دولت به عنوان یک سبد درآمدی، سهم بهینه هر یک از پایه‌های درآمد مالیاتی بر اساس سه معیار حداقل کردن ریسک، حداکثر کردن بازدهی و نسبت شارپ محاسبه شد. نتایج پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که در اخذ درآمدهای مالیاتی کشور به اصول ریسک و بازدهی توجه چندانی نشده است و سهم هریک از پایه‌های درآمدی با سهم بهینه آن‌ها در پورتفولیو تفاوت فاحشی دارد. نتایج این مطالعه نتایج مطالعات دادگر و هکاران (۱۳۹۲)، نصیرالاسلامی و همکاران، سیگرت (۲۰۱۷) و مالکینا (۲۰۱۷) را تایید می‌کند و همسو می‌باشد. بر این اساس پیشنهادی که نتایج این پژوهش دارد این است که سازمان مالیات کشور در ابتدای سال هدف خود را از نظر بازدهی و واریانس مشخص کرده و بر اساس الگوی معرفی شده در این پژوهش، سهم بهینه هر پایه مالیاتی را به دست آورد و بر اساس آن سیاست‌های

1. Harmon, Oskar Ragnar and Mallick, Rajiv (1994)

مالیاتی خود را منطبق کرده تا بهترین عملکرد (حداقل بهینه دوم) را داشته باشد. باید توجه داشت که نتایج و پیشنهادهای این پژوهش بر اساس بهینه سازی تقریباً غیرمقید^۱ بر اساس الگوی مارکویتز حاصل شده است و چنانچه سازمان مالیات بخواهد قید خاصی را بر سهم پایه های مالیاتی وضع کند، باید الگوی این پژوهش را با وارد کردن آن قید مجدداً بهینه سازی کند.

۱. به جز قید مثبت بودن وزن ها و مجموع وزن ها برابر با یک، قید خاصی اعمال نشده است.

منابع و مأخذ

- Abbasian E, Jafari M, Nasiroleslami E, Farzaneh Mohammadi F. The Short and Long-run Elasticities of Tax Base Response to Business Cycles in Iran. jemr. 2017; 7 (28) :7-33 (in Persian).
- Abrishami, H., Rahmani, T., Naseraslami, E., (2012), Tax Revenue Diversification for Achieving the Stability of the Government's Revenue in Iran Based on the Portfolio Theory Approach, Quarterly Journal of Applied Economics Studies in Iran, Volume 1, Issue 3, Autumn 2012, PP: 1-26 (in Persian).
- Akbari N, Sameti M, Samadi S, Nasr Esfahani R. Providing an Appropriate Model for Urban Public Sector Finance in Iran (Isfahan Municipality Case Study). jemr. 2010; 1 (1) :155-186(in Persian).
- Asano, S and Fukushima, T., (2006), Some empirical evidence on demand system and optimal commodity taxation, The Japanese Economic Review, vol. 57, issue 1, 50-68.
- Braun, B. M., (1988), Measuring tax revenue stability with implications for stabilization policy: a note. National Tax Journal, 41(4), 595-598.
- Carroll, D. A., (2009), Diversifying municipal government revenue structures: Fiscal illusion or instability?. Public Budgeting & Finance, 29(1), 27-48.
- Corlett, W.J., Hague, D.C. (1953). "Complementarity and the Excess Burden of Taxation." Review of Economic Studies, 21(1), pp. 21–30.
- Dadgar, Y., Nazari, R., Siame Eraghi, E., (2013), Optimum government and tax in public sector economics and in Iran, Quarterly Journal of Applied Economics Studies in Iran, Volume 2, Issue 5, Spring 2013, PP:1-27 (in Persian).
- Ebeke, C., & Ehrhart, H. (2012), Tax revenue instability in Sub-Saharan Africa: Consequences and remedies. Journal of African Economies, 21(1), 1-27.
- Engles, M., (2004), Portfolio Optimization: Beyond Markowitz. Master's thesis, Leiden University.
- Garrett, T. A. (2009). Evaluating state tax revenue variability: a portfolio approach. Applied Economics Letters, 16(3), 243-246.
- Garvin, C. F. (1996). Financial Toolbox. For Use with MATLAB.
- Harmon, Oskar Ragnar and Mallick, Rajiv, (1994), The Optimal State Tax Portfolio Model: An Extension, National Tax Journal, 47:2, pp. 395-401

- López-Luzuriaga, Andrea; Scartascini, Carlos , (2019), Compliance spillovers across taxes: The role of penalties and detection, Journal of Economic Behavior and Organization 164 (2019) 518–534.
- Malkina M.Yu., Balakin R.V. Comparing Risk Components of Taxation Systems of Italy and the Russian Federation. Mediterranean Journal of Social Sciences, 2016, vol. 7, no. 1, pp. 45–53
- Malkina, MARINA,(2017), Influence of the Industrial Structure of Economy on the Risk Level of Russian Regions' Tax Systems. Acta Universitatis Agriculturae et Silviculturae Mendelianae Brunensis, 65(6): 2025 – 2035.
- Markowitz, H. (1959). Portfolio Selection: Efficient Diversification of Investments. John Wiley & Sons, New York.
- Misiolek, Walter and D. Grady Perdue (1987). “The Portfolio Approach to State and Local
- Nazari A R, Fadaei I. Pathology of Iran’s Tax System. quarterly journal of fiscal and Economic policies. 2014; 1 (4) :95-110 (in Persian).
- Seegert, N. (2017). Optimal tax portfolios: An estimation of Government Tax Revenue Minimum-Variance Frontiers. [Online]. Available at: http://www.personal.umich.edu/~seegert/papers/OptimalTaxPortfolios_Seegert.pdf.
- Sharpe, W. F. (1994), The Sharpe ratio, the journal of portfolio management, 21(1), 49-58.
- Tax Structure.” National Tax Journal 40(1):111–114.
- Tjia, J. (2009). Building financial models. McGraw Hill Professional.
- Yan, W. (2012). The impact of revenue diversification and economic base on state revenue stability. Journal of Public Budgeting, Accounting & Financial Management, 24(1), 58.

Determinacy of the Optimal Structure of Tax Revenues Based on Risk and Return

Ebrahim Nasiroleslami¹, Ezatollah Abbasian²

Received: 22/04/2018

Accepted: 08/08/2019

Abstract

The existence of a stable source of income for the government is crucial for the financing of current and development expenditures. The major revenues of the government in Iran are derived from two sources of tax and oil revenues. Given that much of the oil revenue fluctuations are outside the control of domestic policymakers, it is better to focus on tax revenues in order to earn relatively stable revenues. However, tax revenues are also affected by cycles of boom and recession, and in terms of economic downturns, it is also difficult to earn money from this source. Thus, the solution for this problem is that the total tax revenue of the country is considered as a portfolio of income and applied to the methods of the financial economics to optimize it, in this way, an optimal combination Tax will be specified. Accordingly, in this study, by collecting information on different government revenues during the period of 1971-2017 and using the Markovitz model from two approaches to minimize risk and maximize returns, the optimal contribution of different tax bases for Iran has been calculated. The results show that the current share of the tax revenue base of the country is different from the optimal share

Keywords: Tax Income Structure, Markovitz Pattern, Optimal Portfolio, Sharp Ratio.

JEL Classification: C87, G11, H21.

1 Assistant Professor of Statistics, Bu-Ali Sina University, Email: enasiroleslami@yahoo.com

2. Associate Professor of Economics, Department of Public Administration, Faculty of Management, University of Tehran, E-mail: e.abbasian@ut.ac.ir